

# فرهنگ و آیین‌های آموزش و پرورش ساسانیان در شاهنامه

مریم نظامی  
کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی  
استاد راهنما: دکتر محمدصادق تفضلی

## هنگامه

از فرهنگ‌ها و آیین‌های آموزش و پرورش ساسانیان که در شاهنامه بروز پیدا کرده است، می‌توان به گزینش دایه برای کودک و آموزه‌های گوناگون اشاره کرد. از جمله می‌توان آموزه‌های اجتماعی و دینی را نام برد. کوتاه سخن این که، ایرانیان مردمانی فرهنگ‌دوست و فرهنگ‌پرور بوده‌اند و در شاهنامه ایرانیان و از جمله ساسانیان، چنان معرفی شده‌اند که به فرهنگ و دانش اهمیت می‌داده‌اند.

## □ مقدمه

ایران، ملتی با پیشینه‌ی فرهنگی کهن است. از دیرباز، ایرانیان مردمانی فرهیخته و فرهنگ‌دوست بوده‌اند. در زمینه‌ی فرهنگ‌پروری، ساسانیان تلاش چشمگیری داشته‌اند. از اهمیت ساسانیان در فرهنگ و ادب ایران، یکی این است که بیش از یک سوم نام‌های نامور ایرانیان، شاهنامه، که خود، سخن فرهنگ‌های والای ایران است، به تاریخ آن اختصاص دارد. از این‌رو شناسایی فرهنگ ساسانیان در شاهنامه در راستای شناخت بهتر فرهنگ ایران زمین می‌تواند راهگشا باشد. بارزترین نمود فرهنگ‌پروری، اهمیت آموزش و چگونگی تربیت است. این مقاله بر آن است تا گوشه‌ای از آیین‌های آموزش و تربیت را در دوره‌ی ساسانی با تکیه بر شاهنامه بیان کند که در این زمینه به مقوله‌های گزینش دایه و اهمیت آموزش و تربیت و آموزه‌های ساسانیان پرداخته خواهد شد.

و در خورد و خوابش سخت مراقبت کند و برای خانه‌گاهش بهترین و متناسب‌ترین جای را انتخاب کند تا هرچه نیکوتر پرورش یابد.» (تعالی، ۱۳۶۸، ص ۳۴۹) پس مندر به یمن آمده، زنان نژاده‌ی فراوانی می‌جوید و زین میان چهار زن که از هنر و گهر نیک برخوردارند بر می‌گزیند:

ز دهقان و تازی و پرمایگان

توانگر گزیده گران‌سایگان

ازین مهتران چار زن برگزید

که آمد هنر بر نژادش پدید

دو تازی، دو دهقان ز تخم کیان

که بستند بر دایگانی میان

(۳۶۷/۶، ۸۹-۹۱)

آن چنان که این ابیات بیان می‌کنند در تربیت شاهزاده،

گزینش دایه، اهمیت بسیاری داشته‌است.

اهمیت آموزش و تربیت

مرحله‌ی دیگر در بالیدن و پرورش کودک، آموزش وی

است. ایرانیان همیشه به آموزش دانش اهمیت بسیار می‌داده‌اند.

در پادشاهی اردشیر آمده‌است:

## گزینش دایه

از آن‌جا که پرورش و تربیت شاهزادگان اهمیت بسیار داشته، گزیری از گزیدن دایگانی شایسته و به قول ثعالبی «تندرست و با اندیشه‌ی پاک و رفتاری نیکو» و شرایط زندگی نیک، نیست. چنان که یزدگرد بزه‌گر، چون فرزندش بهرام‌گور را به مندرین نعمان می‌سپارد، می‌خواهد که برای بهرام «دایه‌ای برگزیند

## آموزه‌های اجتماعی

ساسانیان تنها به آموختن خواندن و نوشتن اکتفا نمی‌کردند و آموزش نزد آنان دایره‌ی وسیعی از دانش‌های روز را دربرمی‌گرفت. چنان‌که اردشیر با معلمانی که برای فرزندش، شاپور، برمی‌گزیند خواهان آن است که افزون بر خواندن و نوشتن، همه‌ی آداب زندگی و رزم و بزم را به وی آموخته باشد: بی‌آورد فرهنگیان را ز شهر

کسی کش ز فرزانی بود بهر،  
نبشتن بیاموختش پهلوی،  
نشست سرافرازی و خسروی  
همان جنگ را گرد کرده عنان  
زبالا به دشمن نمودن سنان،  
ز می‌خوردن و بخشش و کار بزم

سپه جستن و کوشش و ساز رزم  
(۲۰۳/۶، ۱۴۷-۱۵۰)

منذر برای بهرام‌گور آموزگاران به کار می‌گیرد تا هر آن‌چه  
یک شاهزاده، از خواندن و نوشتن و شکار و رزم، برای آموختن  
نیاز دارد به وی بیاموزند:  
سه موبد نگه کرد فرهنگ‌جوی

که در شورستان بودشان آب روی  
یکی تا دبیری بیاموزدش  
دل از تیرگی‌ها برافروزدش!  
دگر آنک نخچیر بازان و یوز  
بیاموزدش کآن بود دلفروزی!  
و دیگر که چوگان و تیر و کمان  
همان گردش و پیچ با بدگمان،  
چپ و راست پیچان عنان داشتن  
میان یلان گردن افراشتن،  
بگوید به بهرام خسرو نژاد

سخن هرچه دارد ز گردی به یاد!  
(همان/۳۶۹، ۱۱۰-۱۱۵)  
همان‌گونه که از این ابیات بر می‌آید آموختنی‌ها تنها به  
خواندن و نوشتن منحصر نبود و آداب رزم و بزم و نشست و  
خواست نیز آموزش داده می‌شد. در کتاب «شاهنشاهی ساسانی»  
مواد درسی اشراف و نجیب‌زادگان بدینصورت بر شمرده شده‌است:

چو بی مایه گشتی یکی مایه‌دار  
وز آن آگهی یافتی شهریار،...  
همان کودکش را به فرهنگیان  
سپردی چو بودی ورا هنگ آن  
به هر برزنی در دبستان بدی  
همان خان آتش پرستان بدی  
(۲۲۲/۶، ۴۰۴-۴۰۹)

کزازی در توضیح این ابیات بیان می‌دارد: «پیداست که  
در زمان فرمانروایی اردشیر بابکان، آموزش فراگیر و همگانی  
بوده‌است و دستگاه دیوانی زمینه‌ی آن را برای همه‌ی آن  
کسان که خواستار دانش‌اندوزی بوده‌اند، فراهم می‌آورده‌است.»  
(کزازی، ۱۳۸۵، ص ۵۸۸)

از ابیات شاهنامه برمی‌آید که نزد ساسانیان، آموزش و  
تعلیم، اهمیت بسیاری داشته‌است. از آن جمله، اندرزهای اردشیر  
به مهتران در زمینه‌ی دانش‌اندوزی می‌باشد:  
دگر آن که دانش نگیری خوار

اگر زیر دستی، اگر شهریار!  
(۲۲۵/۶، ۴۶۰)

زمانی می‌سای از آموختن  
اگر جان همی خواهی افروختن  
(همان/۲۲۷، ۴۸۰)

بهرام‌گور در نامه‌ی به مهتران کشور چین می‌گوید:  
کسی کش بود پایه‌ی سنگیان  
دهد کودکان را به فرهنگیان!  
(همان/۵۴۱، ۱۶۶۵)

گرچه این ابیات بیانگر آموزش فراگیر و همگانی در  
دوره‌ی ساسانی است اما متأسفانه نقیضی برای آن در پادشاهی  
انوشیروان در ماجرای «کفشگر» دیده می‌شود.  
در این ماجرا انوشیروان در بحبوحه‌ی جنگ و تنگنای  
مالی از مردم تقاضای وام می‌نماید و کفشگری در برابر دانش  
آموختن به فرزندش تقبل این یاری می‌کند اما انوشیروان حاضر  
به پذیرش وام به ازای دانش آموختن عوام نمی‌شود.

یکی کودکی مهتر اندر برش

پژوهنده‌ی زند و استا سرش

(۱۰۰۷-۱۰۰۵، ۱۶۹/۷)

از این ابیات برمی‌آید که دین نیز همپای دیگر آموزه‌ها اهمیت داشته است.

### نتیجه

شاهنامه، بیان‌کننده‌ی فرهنگ‌ها و آیین‌های بسیاری است که از آن جمله می‌توان به آیین‌های آموزش و پرورش و تربیت اشاره کرد. در شاهنامه ساسانیان با آیین‌های فرهنگی و آموزشی گوناگون خود تجلی یافته‌اند که این نشان اهمیت فرهنگ و دانش‌اندوزی نزد ایرانیان است. ■



### منابع و مأخذ

- ۱- ثعالی نیشابوری، ابومنصور عبدالملک بن محمد بن اسماعیل، ۱۳۶۸، تاریخ ثعالی (غرر اخبار ملوک الفرس و سیرهم)، تهران، انتشارات نقره
- ۲- دریایی، تورج، ۱۳۸۷، شاهنشاهی ساسانی، ترجمه‌ی مرتضی‌نایب‌نایب، تهران، انتشارات ققنوس، چاپ چهارم
- ۳- فردوسی، ابوالقاسم، ۱۳۸۸، شاهنامه، به کوشش جلال خالقی مطلق (همکاران جلد ششم و هفتم به ترتیب: محمود امیدسالار و ابوالفضل خطیبی)، تهران، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، چاپ دوم
- ۴- کریستن‌سن، آرتور امانوئل، ۱۳۸۴، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه‌ی رشید یاسمی، تهران، انتشارات صدای معاصر، چاپ چهارم
- ۵- کزازی، میرجلال‌الدین، ۱۳۸۷، نامه‌ی باستان: ویرایش و گزارش شاهنامه‌ی فردوسی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، جلد نهم
- ۶- کزازی، میرجلال‌الدین، ۱۳۸۵، نامه‌ی باستان: ویرایش و گزارش شاهنامه‌ی فردوسی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، جلد هفتم

«به یاد سپردن یا از بر کردن پاره‌ای گفتارهای مقدس، آموزش دبیری و خوش‌نویسی، سوارکاری، جنگ با نیزه بر پشت اسب، چوگان‌بازی، نواختن آلات موسیقی، آوازخوانی، شاعری، رقص، اخترگویی و استادشدن در بازی‌هایی نظیر شطرنج و تخته‌نرد. طبعاً رزمندگان یا افراد ارتش به یادگیری فن رزم و ورزش‌های بیشتری می‌پرداختند، که شامل تیراندازی، اسب‌سواری و نبرد با نیزه بر روی اسب نیز می‌شد.» (دریایی، ۱۳۸۷، ص ۲۱۲)

از آموختنی‌های دیگر نزد ساسانیان گویا کتاب‌کلیله و دمنه بوده‌است. چنان‌که در آموزش «شیروی»، موبد وی را چنین می‌یابد:

یکی دفتری دید پیش‌اندرش

نشسته کلیله بران دفترش

(۳۵۲۱، ۲۷۰/۸)

کزازی بر پایه‌ی این بیت بیان می‌دارد: «آشکار است که کلیله و دمنه که نامه‌ی فرزاندگی و فرهیختگی است، در ایران ساسانی، چونان کتابی آموختاری کاربرد داشته‌است و آن را به جوانان آموزش می‌داده‌اند.» (کزازی، ۱۳۸۷، ص ۴۶۰)

### دین آموزی

از موارد قابل ذکر دیگر، این است که آموزش برای ساسانیان، بیشتر جنبه‌ی دینی داشته و این کار به وسیله‌ی روحانیان اداره می‌شده و جوانان می‌بایست در پانزده سالگی اصول دین را از روی اوستا و زند می‌دانستند و در بیست سالگی مورد امتحان دانشمندان و هیربدان قرار می‌گرفتند. حتی نقل شده‌است که در مدارس، نخست اوستا آموزش داده می‌شد سپس تعلیمات دیگر انجام می‌گرفت. (کریستن‌سن، ۱۳۸۴)

از نموده‌های آموزش دین در شاهنامه می‌توان به داستان بوزرجمهر اشاره کرد؛ آن هنگام که آزادسرو، وی را در حال آموختن اوستا نزد موبد می‌یابد:

بیامد، همی‌گرد مرو او بجست

یکی موبدی دید با زند و است

همی‌کودکان را بیاموخت زند

به تندی و خشم و به بانگ بلند!